

## عوامل مؤثر در شخصیت کودکان با تأکید بر نقش خانواده از منظر قرآن

فاطمه شورورزی<sup>۱</sup>

### چکیده

از جمله مباحث مهم و پیچیده در روان‌شناسی، موضوع شخصیت می‌باشد. شخصیت مجموعه ثابتی از خلیات و عادات است که افکار، احساسات و اعمال فرد را تعیین می‌کند. در شکل‌گیری شخصیت کودکان عوامل مختلفی دخیل هستند که بدون در نظر گرفتن این عوامل صحبت در رابطه با شخصیت بی‌معنا و نامفهوم می‌باشد. این پژوهش، با هدف بررسی فرایند تمام شکل‌گیری شخصیت کودکان و عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر نقش خانواده و نحوه شکل‌گیری شخصیت مطلوب از دیدگاه قرآن انجام شده است. بدین منظور منابع روانشناسی غربی و ایرانی و آیات قرآن و تفاسیر آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته و داده‌های حاصل طبقه‌بندی شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت به دو دسته وراثتی و غیروراثتی طبقه‌بندی می‌شود. عوامل غیروراثتی در دو زیر طبقه درونی و بیرونی قرار می‌گیرند. یکی از مؤثرترین عوامل بیرونی، بحث خانواده است. خداوند به عنوان اولین مربی به تربیت انسان اقدام کرده و هدف از ارسال پیامبران الهی و کتب آسمانی را تربیت انسان‌ها قرار داده است.

**واژگان کلیدی:** روانشناسی، شخصیت، اسلام، قرآن، والدین، خانواده.

---

<sup>۱</sup>. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه خوارزمی تهران، لیسانس مهندسی کامپیوتر گرایش سخت افزار

Fa.shurvarzi@gmail.com

### مقدمه

بدون شک، شخصیت یکی از موضوعات اصلی و محوری در روان‌شناسی است و هدف نهایی تمامی تحقیقات مرتبط با انسان به شمار می‌آید. شناخت انسان و نحوه تربیت و محیط رشد او، از جمله سوالات اساسی است که در طول تاریخ، بسیاری از رشته‌های علوم انسانی به دنبال پاسخ به آن بوده‌اند. در ادیان الهی، به ویژه در اسلام، موضوع خودشناسی و آگاهی از خویش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در دیدگاه اسلامی، انسان از زمان تولد دارای ساختار روانی اولیه‌ای است که به آن فطرت گفته می‌شود. فطرت به مجموعه‌ای از دانش‌ها و آگاهی‌ها اشاره دارد که به تدریج در طول زندگی انسان نمایان می‌شود و بر رفتار او تأثیر می‌گذارد. ویژگی بارز این دانش‌ها، غیر اکتسابی بودن آن‌هاست. نوع مشابهی از این دانش‌ها در حیوانات نیز وجود دارد که به غریزه معروف است؛ به عنوان مثال، لانه‌سازی پرندگان یک عمل طبیعی و غریزی به شمار می‌آید.

در روان‌شناسی غربی، با وجود تحقیقات علمی و تجربیات گسترده، هنوز به یک جمع بندی کلی و تعریف جامع برای شخصیت نرسیده‌اند و نظریات ارائه شده علی‌رغم جذابیت، دارای ابهامات و نواقص زیادی هستند. عوامل تشکیل دهنده شخصیت شامل وراثت، خانواده و محیط اجتماعی می‌باشد که دین اسلام به تمامی این عوامل پرداخته و خانواده را به عنوان مهم ترین عامل تأثیر گذار در شکل گیری شخصیت معرفی می‌کند. تربیت، به عنوان اصلی ترین عامل در شکل گیری شخصیت و هویت افراد، از اهمیت بالایی برخوردار است و برای رسیدن به تربیتی صحیح، توجه به محتوا و مربی ضروری است. بنابراین، استفاده از ارزش‌های استخراج شده از منبع معتبری مانند قرآن، مسیر را برای دستیابی به این هدف هموارتر می‌سازد. همچنین، خانواده به عنوان نخستین و مهم ترین آموزگار در انتقال این ارزش‌ها مطرح می‌شود؛ چون هر فرد بخش

عمده‌ای از زمان آموزشی خود را در همین محیط می‌گذرانند. از سوی دیگر، قرآن کریم نیز به عنوان کتاب هدایت، به نقش خانواده توجه ویژه‌ای دارد.

بنابراین، این نوشتار با هدف بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت کودکان و با تأکید بر جایگاه خانواده از دیدگاه قرآن، به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. داده‌های موردنیاز با مراجعه به منابع اصلی گردآوری و سپس بر اساس تفاسیر و آثار مرتبط تحلیل شده اند. به نظر می‌رسد خانواده به عنوان مهم‌ترین عامل تربیت، می‌تواند با استفاده از دستورات قرآن و عملیاتی کردن آن‌ها در تمامی مراحل زندگی، در ایجاد خانواده‌ای اسلامی و تقویت بنیان خانواده، گام‌های مؤثری بردارد.

## ۱- مفهوم شناسی

### ۱-۱- مفهوم شخصیت در مکاتب روان‌شناسی

کلمه «شخصیت» که معادل انگلیسی آن، «personality» است، از واژه لاتین «persona» ریشه گرفته و به نقاب یا ماسکی اشاره دارد که بازیگران در تئاتر یونان و روم باستان بر چهره می‌نهادند. این استعاره، بیانگر آن است که شخصیت هر فرد، همچون ماسکی است که برای تمایز خود از دیگران به کار می‌برد (کریمی، ۱۳۷۰، ص ۵).

شخصیت در اصطلاح، اشاره به الگویی از رفتار فردی و یا اجتماعی فرد دارد. الگوهای معینی از رفتار و شیوه‌های تفکر که نحوه سازگاری شخص را با محیط، معین می‌کند. واژه «معین»، به همسانی رفتار اشاره دارد؛ به این معنی که مردم در شرایط گوناگون به دین‌گرایی دارند تا به طرز نسبتاً معینی تفکر کنند یا دست به عمل بزنند. برای مثال یک نفر صرف‌نظر از این که تا چه اندازه او را تحریک کنند، به ندرت از خود خشم نشان می‌دهد. یک نفر هم به

کوچک‌ترین تحریکی، عصبانی می‌شود. رفتار، نتیجه تعامل ویژگی‌های شخصیت با شرایط مادی و اجتماعی محیط است (اتکینسون، ۱۳۷۰، ص ۷۳).

در میان مکاتب روان‌شناسی، تعاریف متعددی از مفهوم «شخصیت» ارائه شده است: «شخصیت به معنای مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، خصوصیات و الگوهای رفتاری است که فرد به طور خودآگاه یا ناخودآگاه به عنوان سبک و شیوه زندگی خود بروز می‌دهد. به عبارت دیگر، شخصیت شامل صفات هیجانی، رفتاری و منش‌هایی است که در شرایط عادی نمایانگر فرد بوده و برای هر شخص نسبتاً ثابت و قابل پیش‌بینی است. به عقیده او، شخصیت از دو عامل اساسی تشکیل می‌شود: ۱. ویژگی‌های ارثی ۲. تجارب زندگی، به ویژه تجربیات دوران کودکی.» (اسدی نوقابی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۱).

گوردون آلپورت، یکی از شناخته‌شده‌ترین روان‌شناسان در زمینه مطالعه شخصیت و کسی که به طور علمی به رسمیت شناختن این حوزه در روان‌شناسی کمک شایانی کرد، تعریفی از شخصیت ارائه داده است که به این صورت است: «شخصیت، یک سازمان پویا از نظام‌های جسمی و روانی درون فرد است که رفتار و افکار خاص او را تعیین می‌کند. همچنین، آلپورت شخصیت را به عنوان مجموعه‌ای از عوامل درونی می‌داند که تمامی فعالیت‌های فرد را هدایت می‌کند.» (بشارتی، ۱۳۹۷).

آدامز بر این باور است که هر زمان که از واژه «من» استفاده می‌کنیم، اگر به دقت بدانیم که منظورمان چیست و این واژه به چه چیزی اشاره دارد، در واقع به درک نسبتاً خوبی از مفهوم شخصیت دست یافته‌ایم (شولتز، ۱۳۸۴، ص ۲۵۸).

با مشاهده جنبه‌های مشترک تعریف‌های ذکر شده، نشان می‌دهد که اولاً، تمامی آن‌ها به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و خصوصیات جسمی و روانی اشاره دارند. ثانیاً، در همه این تعاریف

به موضوع تمایز و تفکیک فرد از دیگران، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، اشاره شده است. بنابراین می توان به تعریفی دست یافت که به شکل نسبی، ویژگی های مشترک تعاریف پیشین را دربرگیرد. بر اساس این تعریف، «شخصیت مجموعه ای از ویژگی های جسمانی، روانی و رفتاری است که موجب تمایز هر فرد از دیگران می شود» (کریمی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۶).

## ۱-۲- مفهوم شخصیت از دیدگاه اسلام

یکی از مهم ترین عناصر شخصیت که در قرآن وجود دارد، مفهوم «شاکله» است. خداوند در قرآن می فرماید: «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا»؛ «بگو هر کسی بر شاکله (ساختار روانی و بدنی) خویش عمل می کند و خدای شما به کسی که راهش از هدایت بیشتری برخوردار است داناتر است» (اسراء: ۸۴).

«شاکله» در اصل از واژه «شکل» به معنای مهار کردن حیوان گرفته شده است و «شکال» به خود مهار اطلاق می شود. از آنجا که ویژگی های روحی، صفات و عادات هر فرد را به نوعی به یک الگو یا رویه خاص محدود می کند، به این وضعیت «شاکله» می گویند. همچنین، کلمه «أشکله» به پرسش ها، نیازها و تمامی مسائلی اطلاق می شود که به نوعی انسان را تحت تأثیر قرار داده و او را محدود می سازد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ص ۴۶۲). بنابراین، مفهوم «شاکله» به هیچ وجه مختص به ذات انسانی نیست. مرحوم «طبرسی» در کتاب «مجمع البیان» دو معنا برای آن ذکر کرده است: «طبیعت و خلقت» و همچنین «روش، مذهب و سنت»؛ زیرا هر یک از این موارد به نوعی فرد را در عمل محدود می کند (طبرسی، ۱۳۶۷، ج ۱۴، ص ۱۹۷).

از این رو، مشخص می شود که افرادی که آیه را به عنوان دلیلی برای سلطه صفات ذاتی بر انسان تفسیر کرده و آن را نشانه ای از جبر می دانند، به شدت در اشتباه هستند. این شیوهی

نگرش، که به دلایل گوناگون سیاسی، اجتماعی و روانی بر ادبیات بسیاری از ملت‌ها سایه افکنده و برای توجیه ناکامی‌هایشان به آن تکیه می‌کنند، از خطرناک‌ترین باورهایی است که می‌تواند یک جامعه را به خواری و سقوط بکشاند و آن را برای سال‌ها یا حتی قرن‌ها در چرخه‌ی عقب ماندگی نگه دارد. ما بر این باوریم که مسلک جبر همواره به عنوان ابزاری برای سلطه‌گری‌های استعمارگران بوده تا بدین طریق از واکنش‌های شدید مردمی که تحت ستم هستند، در امان بمانند.

به‌طور خلاصه، «شاکله» هرگز به معنای سرشت طبیعی انسان نیست، بلکه به هر گونه عادت، سبک، مذهب یا روشی گفته می‌شود که به زندگی انسان جهت می‌بخشد. بنابراین، عادات و سنن کسب‌شده به واسطه تکرار عمل اختیاری و همچنین باورهایی که فرد به‌طور استدلالی یا تعصبی پذیرفته، همگی در این مفهوم نقش مهمی داشته و جزو شاکله محسوب می‌شوند. به‌طور کلی، ویژگی‌ها و روحیات انسان غالباً جنبه اختیاری دارند؛ زیرا وقتی فرد عملی را به‌طور مکرر انجام می‌دهد، ابتدا به «حالت» می‌رسد و سپس به «عادت»، و در نهایت به تدریج به «ملکه» تبدیل می‌شود. این ملکات هستند که به رفتارهای انسان شکل می‌دهند و مسیر زندگی او را تعیین می‌کنند، در حالی که پیدایش آن‌ها به عوامل اختیاری بستگی دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۲۴۸).

در بعضی از روایات، «شاکله» به «نیت» تفسیر شده است. در «اصول کافی» از امام صادق (علیه السلام) نقل شده: «النَّيَّةُ أَفْضَلُ مِنَ الْعَمَلِ أَلَا وَإِنَّ النَّيَّةَ هِيَ الْعَمَلُ. ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ عَزَّوَجَلَّ «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ؛ يَعْنِي عَلَى نِيَّتِهِ»؛ «نیت افضل از عمل است، اصلاً نیت همان عمل است. سپس آیه «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» را قرائت نموده و اضافه فرمودند: منظور از شاکله، «نیت» است» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۵۱).

این تفسیر نکته جالبی را در خود دارد و آن اینکه نیت انسان، که ریشه در اعتقادات او دارد، به شکل‌گیری عمل او کمک می‌کند. در واقع، نیت، خود یک نوع شاکله است که فرد را محدود می‌سازد. به همین دلیل، گاهی نیت را معادل خود عمل تفسیر می‌کنند و گاهی نیز آن را بالاتر از عمل می‌دانند؛ زیرا در نهایت، «مسیر عمل» از «مسیر نیت» نشأت می‌گیرد. در روایت دیگری آمده که از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: «آیا می‌توان در معابد یهود و کلیساهای نصاری نماز خواند؟ فرمودند: «در آنها نماز بخوانید». شخصی پرسید: آیا در آن نماز بخوانیم هر چند آنها هم در آن نماز می‌خوانند؟ فرمود: آری، مگر قرآن نمی‌خوانی آنجا که می‌فرماید: «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا» سپس فرمود: تو به سوی قبله‌ات نماز بخوان و آنها را رها کن» (عروسی حویزی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۴).

حاصل برداشت از این آیه آن است که سرچشمه‌ی رفتارهای انسان به شاکله‌ی او وابسته است؛ مفهومی که در روان‌شناسی با شخصیت هم‌ارز دانسته می‌شود. برای ارائه تعریفی دقیق و نسبتاً خالی از اشکال از «شاکله» یا همان شخصیت، می‌توان به تعریف زیر اشاره کرد: «شاکله عبارت است از ساختار و نظام روانی واحد انسان که بر اثر تعامل وراثت، محیط و انتخاب‌های فردی شکل می‌گیرد، به طوری که فرد محرک‌های محیطی را بر اساس این شاکله تفسیر کرده و به آن‌ها به شیوه‌ای خاص واکنش نشان می‌دهد» (احمدی، ۱۳۷۴، ص ۲۱).

## ۲- عوامل مؤثر بر شخصیت

عوامل مؤثر بر شخصیت را می‌توان به دو دسته ارثی و غیرارثی تقسیم کرد؛ چرا که برخی از عوامل نه تنها ارثی نیستند، بلکه ارتباط مستقیمی با محیط نیز ندارند و در واقع جنبه‌های درونی انسان هستند که بر شکل‌گیری شخصیت تأثیر می‌گذارند. این عوامل (ارثی و غیرارثی) هر یک شامل مجموعه‌ای از عوامل خاص خود هستند.

## ۲-۱- عوامل وراثتی

الف) عوامل ژنتیکی: شواهد قوی نشان می‌دهد برخی از ویژگی‌ها یا ابعاد شخصیت، به ارث می‌رسند. این ویژگی‌ها شامل روان‌پریشی، درون‌گرایی، روان‌رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، وظیفه‌شناسی، حساسیت به تحریک و تمایل به ارتباط با دیگران هستند (شولتز، ۱۳۸۴، ص ۲۱۰).

ب) بنیه و مزاج: «بنیه» به ویژگی‌های جسمانی یک فرد اشاره دارد که به طور کلی شامل قد، وزن، تناسب بدنی، ویژگی‌های جنسی و خصوصیات ظاهری مانند چهره و ... می‌شود. در این راستا، «مزاج» به حالت غالب، سطح انرژی و شیوه واکنش‌های عاطفی اشاره دارد که در مجموع شخصیت فرد را شکل می‌دهد (وولف، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲). مزاج از دوران کودکی به عنوان نمایانگر ظاهری بنیه به حساب می‌آید. قدیمی‌ترین نظریه در مورد مزاج به بقراط، پزشک یونانی، نسبت داده می‌شود که بعدها توسط جالینوس مورد اصلاح قرار گرفت.

## ۲-۲- عوامل غیر وراثتی

این عوامل خود به دو دسته کلی تقسیم می‌شود:

### ۲-۲-۱- عوامل درونی

عواملی که مربوط به درون انسان هستند و بر او تأثیر می‌گذارند که این عوامل عبارتند از:

#### الف) ناهشیاری

این عامل در برخی از نظریه‌ها به عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری شخصیت مورد توجه قرار گرفته است. مفهوم ناهشیاری دارای چندین معناست که بسته به رویکرد انتخابی در روان‌شناسی، این معانی متفاوت خواهد بود. یکی از تعاریفی که در اینجا به

عنوان عامل مؤثر در شخصیت مورد تأکید قرار می‌گیرد، تعریفی است که فروید ارائه داده و آن را ناهشیاری عاطفی (هیجانی) می‌نامد.

فروید بیش از سایر اندیشمندان، در نظریه روان‌کاوی خود از این اصطلاح بهره برده است. از دیدگاه او، ناهشیاری مخزنی تاریک از خواسته‌ها و تمایلات سرکوب‌شده است که بخشی از آن‌ها به صورت عقده بروز یافته‌اند (همت بناری، ۱۳۸۶، ص ۱۱۰).

### ب) انگیزه‌ها و هیجانات فرد

انگیزه‌ها و هیجانات فرد نقش حیاتی در تعیین رفتار و شکل‌گیری شخصیت انسان دارند. انگیزه‌ها بخش مهمی از شخصیت را تشکیل می‌دهند و هیجانات نیز در بروز رفتارهای خاص از سوی فرد تأثیرگذار هستند.

«انگیزش» در لغت به معنای دلیل و عاملی است که فرد را به انجام کاری ترغیب می‌کند. اما در معنای اصطلاحی که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد، به حالتی روانی اشاره دارد که انسان را به سمت خاصی هدایت کرده و او را به انجام رفتارهای مشخص وامی‌دارد (احمدی و فراهانی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۱). به‌نوعی، فرایندی است که به رفتار، نیرو، جهت و پویایی می‌بخشد (شجاعی، ۱۳۹۱، ص ۸). همچنین می‌توان عوامل شکل‌گیری انگیزه‌ها را در شناخت‌ها، باورها، نیازها و هیجان‌ها جست‌وجو کرد.

«هیجان» در سه نمود اصلی بروز می‌یابد: ترس، خشم و شادی. برای هیجان تعاریف گوناگونی ارائه شده است که در اینجا به یکی از آن‌ها اشاره می‌کنیم (پلاچیک، ۱۳۷۱، ص ۲۰۲-۲۰۵).

### ج) اراده

«اراده» به عنوان یک عامل مهم و تعیین کننده در کنار وراثت و محیط قرار دارد. به این معنی که اگرچه ویژگی‌های وراثتی و شرایط محیطی می‌توانند بر شدت و ضعف اراده تأثیر بگذارند، اما «اراده» به عنوان یک عامل کلیدی و مستقل نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. این بدان معناست که انسان می‌تواند با تکیه بر توانمندی‌ها و قابلیت‌های خویش، مسیری متفاوت از آنچه وراثت یا محیط فرهنگی و اجتماعی برایش تعیین می‌کند، برگزیند. در نتیجه، او توانایی دارد خودش آینده‌اش را بسازد و شخصیتش را مطابق خواست و اراده‌اش شکل دهد. از همین رو، نقش و جایگاه اراده موجب شده است نظریه پردازان شخصیت در دیدگاه‌های خود توجه ویژه‌ای به آن داشته باشند و از اثرگذاری آن در فرایند شکل‌گیری شخصیت سخن بگویند (لاچیک، ۱۳۷۱، ص ۱۱۰).

### ۲-۲-۲- عوامل بیرونی

عوامل بیرونی به مجموعه‌ای از عواملی اشاره دارند که از خارج بر انسان تأثیر می‌گذارند؛ نظیر خانواده، هم‌سالان، فرهنگ و محیط اجتماعی که خود شامل عوامل دیگری نیز می‌شود.

#### الف) خانواده

خانواده را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت انسان دانست. به‌سختی می‌توان نظریه‌ای در مورد شخصیت یافت که به تأثیر خانواده اشاره نکرده باشد. این عامل از لحظه تولد همراه فرد بوده و در فرایند شخصیت‌سازی او نقش دارد. خانواده کودک از نظر تعداد اعضا، شیوه تعامل با او و نیز امکاناتی که برایش فراهم می‌کند، می‌تواند در رشد شخصیت او نقش مهمی داشته باشد.

در خانواده سه محور اساسی مطرح است:

تأثیر والدین: والدین با رفتارهای خود شرایطی را ایجاد می کنند که منجر به بروز رفتارهای خاصی در فرزندان می شود. آن ها همچنین به عنوان الگوهایی برای تقلید کودک عمل می کنند و به طور انتخابی برخی رفتارها را تشویق می نمایند (جان پروین و ای. لارن، ۱۳۸۱، ص ۱۵).

خواهران و برادران: این گروه با تعیین برخی معیارها و فراهم کردن الگوهایی برای الگوگیری، بر کودک اثر گذاشته و نقش های مکملی را بر عهده می گیرند و می توانند از طریق تعاملات اجتماعی، تجربیات خود را تمرین کنند. همچنین در زمان های تنش عاطفی، به یکدیگر کمک می کنند (پاول هنری ماسن و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۴۵۸). به عنوان مثال، فرزند اول که سلطه گر و جسور است، ممکن است بر خواهران کوچک تر خود تأثیر گذاشته و باعث شکل گیری شخصیتی انفعالی و غیررقابت طلب در آن ها شود.

ترتیب تولد: جایگاه فرزند (اول، دوم یا آخر) در خانواده می تواند در شکل گیری شخصیت او تأثیرگذار باشد. آلفرد آدلر معتقد است که بزرگ تر یا کوچک تر بودن در میان خواهران و برادران، همراه با برخوردهای متفاوت والدین، وضعیت های گوناگونی را در دوران کودکی پدید می آورد که در شکل گیری شخصیت فرد تأثیرگذار است. همچنین، بندورا در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که فرزندان اول و تک فرزندان نسبت به سایر فرزندان، دیدگاه متفاوتی نسبت به توانایی های خود دارند (شولتزف، ۱۳۸۴).

#### ب) گروه هم سالان

گروه هم سالان و دوستان، نخستین جمعی هستند که فرد پس از خانواده با آن ارتباط برقرار می کند و شخصیت او تحت تأثیر این گروه قرار می گیرد. در واقع، کودکان در دو دنیای متفاوت زندگی می کنند: دنیای والدین و بزرگ ترها و دنیای هم سالان. آنچه که گروه هم سالان برای کودک و شخصیت او فراهم می آورند، مهارت های اجتماعی است که به گونه ای به او آموزش

می‌دهند که بزرگسالان قادر به ارائه آن نیستند. همسالان به طرق مختلف در شکل‌گیری شخصیت، رفتار اجتماعی، ارزش‌ها و نگرش‌های فرد مؤثرند.

### ج) مدرسه و یادگیری

مدرسه به عنوان عامل سوم، از دیگر مؤلفه‌هایی است که در شکل‌گیری شخصیت فرزندان نقش مؤثری ایفا می‌کند. این نهاد، شامل فرهنگ‌ها، طبقات اجتماعی و مؤسسات مختلفی است که مورد توجه روان‌شناسان قرار دارد. برخی بر این باورند که بزرگ‌ترین رویداد علمی در تاریخ بشر، نه فرود انسان بر کره ماه، بلکه لحظه‌ای است که یک کودک پنج‌ساله برای نخستین بار به مدرسه قدم می‌گذارد (بادن، ۱۳۷۴، ص ۸۵). یکی از اصلی‌ترین تأثیرات مدرسه بر شخصیت فرد، فرآیند اجتماعی شدن است. کودک در مدرسه یاد می‌گیرد که چگونه باید رفتار اجتماعی داشته باشد و نقش خود را در جامعه ایفا کند. او می‌آموزد که در چه زمینه‌هایی فکر کند، چگونه همکاری کند و با دیگران هم‌سوئی داشته باشد (نوری، ۱۳۸۶، ص ۴۱).

### د) جامعه

شخصیت هر فرد از طریق تعاملات متقابل با دیگران شکل می‌گیرد. واکنش‌های دیگران به رفتارهای فرد، تأثیر مستقیمی بر توسعه شخصیت او دارد و شخصیت انسان در بستر اجتماعی اش رشد می‌کند. ریشه‌های این نظریه را می‌توان در دیدگاه‌های روان‌کاوانی مانند زیگموند فروید یافت. بر اساس نظریه فروید، «من» نمایانگر شخصیت اجتماعی فرد است که تحت تأثیر قوانین و محدودیت‌های اجتماعی قرار دارد و همواره سعی می‌کند خود را با آداب و رسوم اجتماعی تطبیق دهد (جونز، ۱۳۴۰، ص ۲۲۹). این عوامل به عنوان «فرهنگ» در شکل‌گیری شخصیت انسان نقش مهمی ایفا می‌کنند. جامعه به واسطه انتظاراتش از فرد و تأیید یا رد رفتارهای خاص او، تأثیر قابل توجهی بر نوع شخصیت افراد دارد. فرهنگ در میزان‌های متفاوتی بر شکل

گیری شخصیت تأثیر می‌گذارد. واکنش‌های افراد نسبت به فرهنگ جامعه نیز متنوع است. به بیان دیگر، فرهنگ هر جامعه مرزها و چارچوب‌هایی را برای پرورش شخصیت مشخص می‌کند و هر فرهنگ، گونه‌ای خاص از شخصیت را می‌پروراند که با شخصیت‌های شکل گرفته در فرهنگ‌های دیگر تفاوت دارد (کینگ، ۱۳۴۶، ص ۷۰). از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، شخصیت انسان در جریان فرایند فرهنگ‌پذیری شکل می‌گیرد و مفهوم شخصیت تا حدی بازتاب جذب عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی موجود در محیط اجتماعی است (فیلدینگ، ۱۳۵۴، ص ۲۳۲).

#### هـ) محیط اقلیمی

محیط نیز در روند تکوین شخصیت انسان اثرگذار است، هرچند سهم مستقل آن چندان چشمگیر نیست. با این همه، برای کامل شدن بحث، اشاره به محیط ضروری به نظر می‌رسد. محیط زیست انسان از جمله موضوعاتی است که در نظریه‌های جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان مورد توجه قرار گرفته است. این نظریه‌پردازان بر این باورند که محیط جغرافیایی که فرد در آن زندگی می‌کند، در شکل‌گیری شخصیت، اخلاق و رفتار او مؤثر است. به‌عنوان مثال، افرادی که در بیابان‌های گرم و خشک و کم‌آب زندگی می‌کنند، ممکن است شخصیتی خشن، بی‌احساس و بی‌رحم داشته باشند؛ در حالی که ساکنان مناطق خوش آب و هوا معمولاً شخصیتی ملایم، بااحساس، همدوست و علاقمند به علم و فلسفه را پرورش می‌دهند (فضایی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۲-۱۹۳).

### ۳- نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت از منظر قرآن

خانواده به عنوان نخستین و اثرگذارترین محیطی است که کودک در آن پرورش می‌یابد و شالوده باورهای خود را در آن بنا می‌کند. این نهاد همواره در آموزه‌های اسلامی و دیدگاه

بزرگان جایگاه ویژه‌ای داشته است. خانواده، در مقام اولین کانون تربیتی، بستری است که در آن ارزش‌ها به شکل مستقیم یا غیرمستقیم از سوی والدین و دیگر اعضای بزرگسال به فرد منتقل می‌گردد (نیکزاد، ۱۳۷۵، ص ۶۵).

در اسلام، خانواده دارای جایگاهی والا و مهم است. این نهاد کوچک اما مقدس، جایگاهی برای پرورش و تعالی انسان‌ها و محیطی مناسب برای شکوفایی فطرت و استعدادها، نسل آینده به شمار می‌آید. خانواده، ستون اساسی پیشرفت و تکامل جامعه است و اگر بر پایه تربیت اسلامی و در چارچوب برنامه‌های قرآنی و سنتی سامان یابد، می‌تواند نقشی مهم در رشد و توسعه جامعه ایفا کند (بیگی، ۱۳۸۹، ص ۳۵۵). از این رو، با توجه به رهنمودهای قرآن می‌توان افراد را در تربیت درست و انتقال صحیح ارزش‌ها یاری داد. در آیات گوناگون قرآن کریم به مسئله خانواده و کارکرد تربیتی آن، چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم اشاره شده است. به عنوان مثال «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَكْدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ» (اعراف / ۵۸).

در تفسیر این آیه آمده است که واژه «نکدا» به چیزی گفته می‌شود که از خیر و سودمندی بی‌بهره باشد و «نبات نکد» نیز به گیاهی اطلاق می‌شود که اندک، کم‌ثمر و بی‌فایده است. با نگاهی گسترده‌تر به آیه، می‌توان خانواده پاک را یکی از نمونه‌های سرزمین پاک دانست که محصولی نیکو و ثمربخش پدید می‌آورد (قرائتی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۸۸). افزون بر این، علامه طباطبائی در تفسیر این آیه بیان می‌کند که «این آیه در قالب یک مثال کلی نشان می‌دهد اعمال صالح و آثار پسندیده از سرشت پاک برمی‌خیزد و در مقابل، کردار ناپسند نیز از ذات ناپاک سرچشمه می‌گیرد.» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۰۰).

از این رو، رشد جسمی و روانی انسان در سال‌های آغازین زندگی تا حد زیادی متأثر از فضای خانواده و شرایط زندگی پدر و مادر است. کودک از مادر نه تنها تغذیه می‌کند، بلکه عاطفی همچون محبت، رحمت، ایثار و از خودگذشتگی را نیز می‌آموزد؛ همچنین از پدر روحیه اندیشه‌ورزی، استقامت و تلاش و کوشش را فرا می‌گیرد و از هر دو والد، احساس مسئولیت، بردباری، سرپرستی و شیوه‌های تربیتی را می‌آموزد. این روند یادگیری نیز تا سال‌های بعدی زندگی ادامه می‌یابد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در سخنی گران‌قدر به تأثیر عمیق پدر و مادر به عنوان مدیران خانواده در شکل‌گیری شخصیت و باورهای انسان اشاره می‌فرماید: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ ثُمَّ آبَاؤُهُ يَهُودِيْنَهُ وَ يَمَجْسَانِهِ وَ يُنَصْرَانِهِ»؛ «هر فرزندی بر اساس فطرت [خدایی] به دنیا می‌آیند و این پدر و مادر هستند که او را یهودی و مجوسی و نصرانی بار می‌آورند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۱، ص ۱۸۶).

باورهای دینی پدر و مادر نقشی بنیادین در شکل‌گیری منش و شخصیت فرزند ایفا می‌کند و جهان‌بینی او را سامان می‌دهد. از همین رو، خداوند در قرآن کریم تأکید می‌فرماید که «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ ... وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا ...»؛ «و با زنان مشرک و بت‌پرست، تا ایمان نیاورده‌اند، ازدواج نکنید ... و زنان خود را به ازدواج مردان بت‌پرست، تا ایمان نیاورده‌اند، در نیاورید!» (بقره: ۲۲۱).

مهیا کردن فضایی سالم و عاری از هرگونه آلودگی، همراه با رعایت حقوق تمامی اعضای خانواده، روند رشد تربیتی و آموزشی کودکان و شکل‌گیری هنجارهای مطلوب شخصیتی را تقویت می‌کند و در پی آن، میزان اطمینان از سلامت جامعه نیز افزایش می‌یابد.

والدین لازم است از همان آغاز تولد، به همه نیازهای اساسی کودک با دقت و عمق توجه کنند و در ارتقای سطح شخصیتی او از هیچ تلاش مادی و معنوی دریغ نورزند. حاکم بودن فضای محبت و صمیمیت یا برعکس، قهر و کینه، در نوع شخصیت شکل گرفته در کودک تأثیر چشمگیری دارد؛ به گونه‌ای که می‌تواند او را به فردی درون‌گرا یا برون‌گرا تبدیل کند و یا زمینه مشارکت اجتماعی یا گوشه‌گیری او را فراهم سازد.

همچنین خداوند در آیه ۶ سوره تحریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگاه دارید» (تحریم: ۶).

در تفسیر این آیه آمده است: نگه داری خویشتن، به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است، و نگه داری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هرگونه آلودگی، در فضای خانه و خانواده است. این برنامه‌ای است که باید از نخستین سنگ بنای خانواده، یعنی از مقدمات ازدواج، و سپس نخستین لحظه تولد فرزند آغاز گردد، و در تمام مراحل با برنامه ریزی صحیح و با نهایت دقت تعقیب شود. به تعبیر دیگر، حق زن و فرزند تنها با تأمین هزینه زندگی و مسکن و تغذیه آنها حاصل نمی‌شود. مهم تر از آن، تغذیه روح و جان آنها و به کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲۴، ص ۲۸۷).

این آیه به روشنی نشان می‌دهد که انسان، هم در برابر خویشتن و هم در برابر خانواده خود مسئولیت دارد. از این رو، در اینجا به نقش مؤثر خانواده، چه پیش از تولد فرزند و چه پس از آن، از منظر آیات الهی پرداخته می‌شود.

در تأکید بر نقش والدین در تربیت فرزندان، قرآن کریم به داستان مادرشدن حضرت مریم (سلام الله علیها) اشاره می‌کند: «هنگامی که کودک پاک و معصوم مریم به دنیا می‌آید، این رویداد برای مردم بسیار شگفت‌آور است؛ زیرا چگونه ممکن است مریم دختری نامشروع به دنیا آورد، در حالی که پدر و مادر مریم هرگز آلوده و بدکار نبوده‌اند؟!» (مریم) او را در آغوش گرفته، نزد قوم خود آورد. گفتند: ای مریم! کار بسیار شگفت‌انگیز و ناپسندی انجام داده‌ای! ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بود و نه مادرت زن بدکاره‌ای!» (مریم: ۲۷ و ۲۸). مردم، مریم (سلام الله علیها) را با برادر و پدر و مادرش می‌سنجند؛ دختری که برادری غیور چون هارون و پدر و مادری شریف و پاکدامن دارد، چگونه ممکن است از راه عفاف و پاکدامنی منحرف شده باشد؟! (بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۵). این مقایسه فرزند با خاندان او نشان می‌دهد که از خانواده صالح، انتظار فرزند نیک می‌رود، و همین امر، نقش عمیق و تعیین‌کننده خانواده را در شکل‌گیری شخصیت فرزندان آشکار می‌سازد.

### ۳-۱- پیش از ازدواج

#### ۳-۱-۱- خودسازی و اصلاح زن و مرد

این که تربیت فرزند از چه زمانی آغاز می‌شود و والدین از چه هنگام باید خود را برای پرورش و شکل‌دهی شخصیت او آماده سازند و زمینه‌های لازم را فراهم کنند؟ ممکن است سؤال خیلی از افراد باشد.

در پاسخ باید گفت که تربیت فرزند، سال‌ها پیش از تولد او شروع می‌شود؛ بدین معنا که همه رفتارهای پدر و مادر، و حتی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، در شخصیت فرزند اثر می‌گذارد. در زیارات اربعین سیدالشهدا (علیه السلام) درباره اهل بیت (علیهم السلام) می‌خوانیم:

«أَشْهَدُ أَنْكُمْ كُنْتُمْ فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ». این عبارت نشان می‌دهد که اهل بیت در نسل‌های پیشین خود نیز از پدران و مادرانی پاک و به‌دور از شرک برخوردار بوده‌اند. این مطلب، مؤید مباحث پیشین است که شاکله فرزند از رفتارها و ویژگی‌های نیاکان نیز تأثیر می‌پذیرد و این همان اصلی است که از آن با عنوان قانون وراثت یاد می‌شود. اسلام نیز با توجه به همین اصل وراثت، برای تربیت فرزندان از آغاز، بنیانی استوار در نظر گرفته است (مظاهری، ۱۳۸۵، ص ۲۹).

از این‌رو، زن و مرد پیش از ازدواج و پذیرفتن مسئولیت پرورش انسانی دیگر، باید به خودشناسی بپردازند و به‌عنوان دو انسان، در اصلاح و تزکیه خویش بکوشند تا پس از تشکیل زندگی مشترک، بتوانند نقش خود را در برابر فرزندان به‌درستی ایفا کنند. انسان مسلمان در گام نخست، مسئول اصلاح خویش است و در مرحله بعد، مسئول هدایت و اصلاح دیگران.

خداوند متعال هم در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، مراقب خود باشید» (مائده: ۱۰۵). همچنین می‌فرماید: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»؛ «آیا مردم را به نیکی دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید؟» (بقره: ۴۴). این دو آیه، اهمیت توجه به نفس و اصلاح آن را می‌رساند. انسان در تزکیه خود باید به عواملی همچون رزق حلال، محیط سالم، الگو و سرپرستی مناسب و نیکو توجه داشته باشد.

در قرآن کریم در مورد نحوه تربیت حضرت مریم (سلام الله علیها) آمده است: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»؛ «پس خداوند او را به خوبی قبول کرد و به نیکویی پرورش داد و زکریا را سرپرست او کرد. هرگاه

زکریا به محراب نزد مریم وارد می-شد، نزد او روزی می-یافت و می-گفت: ای مریم! این از کجا برایت آمده؟ مریم می-گفت: این از طرف خداست که خدا هر که را بخواهد بی حساب روزی می-دهد (آل عمران: ۳۷).

در تفسیر آیه مزبور آمده است: عوامل مؤثر در تربیت عبارتند از: روح پاک مادر: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ»، جسم سالم: «نَبَاتًا حَسَنًا»، تعلیم و تربیت الهی: «كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا»، تغذیه پاک: «وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا» (قرائتی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۵۳) با توجه به مطالب یادشده، می توان نتیجه گرفت که خودسازی زن و مرد، و توجه به عوامل مذکور، حتی پیش از ازدواج، از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ زیرا این عوامل در شخصیت آینده فرزند نقشی تعیین کننده خواهند داشت.

### ۳-۱-۲- انتخاب همسر مناسب و هم شأن

زن و مرد، دو رکن اصلی کانون مقدس خانواده اند که بنیان و ساختار خانواده بر آن‌ها استوار می شود. برای داشتن فرزند صالح، انتخاب همسر شایسته و نیکو از اهمیت بسزایی برخوردار است. قرآن کریم در آیاتی که مردان و زنان پاک را از آن یکدیگر، و مردان و زنان مشرک و ناپاک را نیز هم سنخ و در کنار هم می داند، به این موضوع اشاره دارد. این هم نشینی و همراهی مردان و زنان پاک، و در مقابل، باهم بودن مردان و زنان ناپاک، نشان دهنده قطعی و مسلم بودن اصل تناسب و لزوم رعایت این تناسب هاست. همین تأثیر والدین بر کودکان، مهم ترین دلیلی است بر توجه به توصیه های اسلام برای پیش از ازدواج و انتخاب همسر شایسته. وقتی قرآن توصیه می کند با هم سنخ و هم شأن خود ازدواج کنید، دلیل آن تأثیر ژرف والدین بر تربیت فرزندان است. کودکی که در خانواده ای پرورش می یابد که پدر و مادر هر دو برای ارزش ها اهمیت قائل اند و به آن ها پایبندند، دارای شخصیتی سالم و متعادل خواهد شد. اما اگر

والدین به ارزش‌ها بی‌توجه باشند، یا میان باورها و ارزش‌های پدر و مادر دوگانگی و تعارض وجود داشته باشد، این ناسازگاری به درون و رفتار کودک نیز منتقل می‌شود و او را در انتخاب مسیر زندگی دچار سردرگمی می‌کند؛ به گونه‌ای که ممکن است انتخاب او پایان مطلوبی نداشته باشد. در اینجا باید نکته‌ای را یادآور شد: پابندی خانواده به ارزش‌ها، تنها یک عامل تربیتی نیست؛ بلکه بستر ساز تربیت درست فرزندان است؛ زیرا عوامل متعدد دیگری - مانند دوست و همشین - نیز بر شکل‌گیری شخصیت آن‌ها اثرگذارند. از این رو، والدین باید در روابط اجتماعی فرزندان خود دقت و توجه فراوان داشته باشند. این موضوع با توجه به داستان فرزند حضرت نوح (علیه السلام) اهمیت بیشتری می‌یابد؛ فرزندى که با وجود پرورش در دامن پیامبری بزرگ همچون نوح، به سبب همشینی با افراد ناصالح گمراه شد و سرانجام به نابودی کشیده شد. قرآن نیز در آیاتی به نقش اثرگذار همشین اشاره می‌کند؛ از جمله: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ»؛ «افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند، و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد» (آل عمران: ۲۸).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصارا را دوستان خود مگیرید» (مائده: ۵۱).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر خودتان، (دوست و) همراز مگیرید» (آل عمران: ۱۱۸). نقش مؤثر دوست و همشین در شکل‌گیری شخصیت انسان، قابل انکار نیست. همان گونه که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «انسان بر دین دوستش است.» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۰۷).

از این رو، با در نظر گرفتن تأثیر محیط بر پرورش و نهاده‌سازی ارزش‌ها، یکی از اصلی‌ترین مسئولیت‌های والدین، افزون بر پابندی عملی به ارزش‌ها و نظارت بر پیوندهای اجتماعی فرزندان، فراخواندن و تشویق آنان به رعایت و برپا داشتن این اصول است.

امام سجاد (علیه السلام) نیز برای داشتن فرزندانی صالح این گونه دعا می‌کنند: «خدایا! بر من منت گذار و فرزندانم را نگه داری کن و آنان را برای من شایسته گردان و آنان را نیکوکاران پرهیزگار، صاحبان بینش و پندپذیران سربه راه خود قرار ده.» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۶، دعای بیست و پنجم).

### ۳-۲- بعد از ازدواج

#### ۳-۲-۱- پیش از تولد

#### ۳-۲-۱-۱- تقویت خودسازی و تزکیه بیشتر خود

همان گونه که پیش از وصلت بر اصلاح و بازنگری فردی تأکید می‌شود، این روند تزکیه و خودسازی باید پس از تشکیل خانواده و در دوران پیش از فرزندآوری نیز استمرار یابد؛ چرا که در این مقطع، مسئولیت زوجین سنگین‌تر شده و آنان بایستی خود را برای پذیرش رسالت پرورش و تربیت انسانی دیگر آماده سازند. بدیهی است که این تلاش برای خودسازی، با توجه به مؤلفه‌هایی که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، اثربخشی و کارایی عمیق‌تری خواهد داشت.

#### ۳-۲-۱-۲- دعا برای داشتن فرزند صالح

اما کار زن و شوهر در این مرحله تمام نمی‌شود، بلکه آن‌ها باید، علاوه بر تزکیه و تقویت ایمان خود، از توفیقات الهی، برای داشتن فرزند نیکو مدد گیرند؛ چراکه همه توفیقات و نیکی‌ها به دست خداست. آن‌ها علاوه بر تلاش و کوشش در زمینه سازی صحیح و ارزشی برای تولد

فرزند، باید از خداوند متعال هم کمک بگیرند تا او را از خطرات و وسوسه ها مصون دارد. دعا در اینجا نقش مؤثری دارد. آیات فراوانی از قرآن، دعای والدینی را ذکر می کند که داشتن فرزند صالح را از خداوند متعال خواستارند.

برای مثال، می توان به آیات زیر رجوع کرد:

«وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي»؛ «و فرزندان مرا صالح کن» (احقاف: ۱۵).

«رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاء»؛ «پروردگارا! مرا برپاکنده نماز

قرار ده و از فرزندان من نیز چنین کن. پروردگارا! دعای (ما را) بپذیر» (ابراهیم: ۴۰).

«رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ»؛ «پروردگارا! ما را تسلیم (فرمان)

خود قرار ده و از نسل ما امتی که تسلیم تو باشند قرار ده» (بقره: ۱۲۸).

### ۳-۲-۱-۳- تغذیه حلال

تغذیه از جمله موضوعات اساسی در رشد و تکامل جسمی و روانی انسان به شمار می آید. در دیدگاه های طب کل نگر، غذا به عنوان بخشی از اکوسیستم جهان تلقی می شود و از تأثیر محیط اطراف، حرکت افلاک و صور فلکی بر گیاهان و حیوانات - که دو منبع اصلی تأمین خوراک انسان هستند - سخن به میان می آید (یوسفی و شیرافکن، ۱۳۹۳، ص ۲۵). در تعالیم دینی نیز تغذیه جایگاهی بسیار والا دارد و از مهم ترین عوامل سلامت دانسته شده است که نقش چشمگیری در فرایند رشد روحی و جسمی انسان ایفا می کند. از همین رو، نوع و کیفیت خوراک در اسلام مورد توجه ویژه قرار گرفته و آیات و احکام فراوانی در قرآن کریم درباره آن بیان شده است. تغذیه در تکوین شخصیت کودکان نیز مؤثر است. اگر نطفه ی جنین از مال حرام منعقد شود، یا مادر در زمان بارداری از مال حرام تغذیه کند زمینه ی «شقاوت» در نهاد

فرزند هموار می شود. داشتن فرزند صالح و نسل پاک سعادت بزرگی است که رسیدن به آن مقدماتی می خواهد. این طور نیست که مادر باردار هر غذایی را که دلش خواست بخورد. بدون این که بداند از چه راهی تهیه شده است. البته همه این مسئولیت ها به گردن مادر باردار نیست بلکه پدر خانواده هم باید حواسش باشد که چه نانی به سفره خانواده می آورد.

### ۳-۳- رفتار والدین به عنوان الگو

پس از تولد فرزند، نقش والدین سنگین تر و تأثیرگذارتر می شود؛ زیرا کودک رفتار و گفتار پدر و مادر را الگوی خود قرار می دهد، ارزش ها را در عمل آنان مشاهده می کند و از همان ها سرمشقی برای زندگی می گیرد. کودک از آغاز دارای استعداد فطری و آمادگی طبیعی فراوانی برای آموختن و پذیرفتن تربیت است و والدین نخستین الگوهای رفتاری او به شمار می آیند. اسلام نیز بر ضرورت شایستگی الگوها تأکید کرده و هم در قرآن و هم در روایات، از نقش الگو بودن پدر و مادر سخن گفته است. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ»؛ «و کسانی که ایمان آورده اند و فرزندان شان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند، فرزندان شان را (در بهشت) به آنان ملحق می کنیم» (طور: ۲۱).

احمدی در تایید این مطلب به سخن امام کاظم (علیه السلام) اشاره می کند که می فرمایند: «رفتار کودکان در اثر خوبی های رفتار والدین آنها حفظ و نگهداری می شود» (احمدی، ۱۳۸۰، ص ۷۴).

نیز امام سجاد (علیه السلام) خطاب به والدین می فرماید: «حق فرزندی بر تو این است که بدانی او از توس و نیک و بد این جهانش به تو بستگی دارد، و تو نسبت به تربیت درست و راهنمایی اش به سوی خدای عزوجل و یاری اش در مسیر طاعت خدا مسئولی. درباره اش چنان

کوشش نما که بدانی رفتار نیکت نسبت به پاداش، و رفتار بدت نسبت به او کیفر دارد.» (حاج شریفی خوانساری، ۱۳۸۶، ص ۹).

این پیروی از والدین، تنها شامل اهل ایمان نمی‌شود، بلکه در آیاتی از قرآن نیز آمده است که اهل کفر و بت پرستان نیز برای توجیه بت پرستی خود، پیروی از پدران را ذکر می‌کردند: «وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا»؛ «و هنگامی که به آنها گفته شود: به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر بیاوید، می‌گویند: آنچه را از پدران خود یافته‌ایم، ما را بس است» (مائده: ۱۰۴).

نیز می‌فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ»؛ «و هر گاه به آنان گفته شود: آنچه را خدا نازل کرده پیروی کنید، گویند: بلکه ما آنچه را پدرانمان را بر آن یافته‌ایم پیروی خواهیم کرد. آیا اگر شیطان آنان را به عذاب فروزان فرا خواند باز هم باید از او تبعیت کنند؟» (لقمان: ۲۱). خداوند در آیه‌ای دیگر از قرآن، به روشنی، به کفو و هم‌شان بودن همسران اشاره کرده است: «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ»؛ «زنان پلید برای مردان پلیدند، و مردان پلید برای زنان پلید. و زنان پاک برای مردان پاکند، و مردان پاک برای زنان پاک. زنان پاک لایق مردان پاکند و مردان پاک لایق زنان پاک.» (نور: ۲۶). اسلام بر دقت فراوان در امر انتخاب همسر تأکید می‌کند و علت اصلی این حساسیت، مسئله تولد و پرورش فرزندان است. همان‌گونه که بیماری‌های جسمی مانند سل و امثال آن می‌توانند از راه وراثت از مادر به کودک منتقل شوند، انحرافات روحی و اخلاقی و نیز صفات ناپسند نیز به فرزند انتقال می‌یابند (ارگانی بهبهانی حائری، ۱۳۸۶، ص ۱۹). خانواده‌ای که از همسرانی مؤمن و پاک

تشکیل شده و برای ایمان، اصالت و ارزش‌ها اهمیت قائل است، فرزندان خود را نیز بر پایه همان ارزش‌ها تربیت کرده و آنان را به جامعه تحویل می‌دهد.

## نتیجه گیری

شخصیت سالم در نگاه قرآن، الگویی جامع برای همه انسان‌ها، در همه زمان‌ها و همه مکان‌هاست و به دوره یا محیط خاصی محدود نمی‌شود. سلامت و بهداشت روان افراد نیز تحت تأثیر عواملی چون وراثت، خانواده، محیط زندگی و الگوهای فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جامعه قرار دارد که در این میان، «خانواده و شیوه تعلیم و تربیت» از اساسی‌ترین عوامل به شمار می‌آیند. قرآن کریم، به عنوان معتبرترین منبع تربیتی و هدایتی در مکتب اسلام، هم بر «محتوا» و هم بر «مربی» توجه ویژه دارد.

از منظر قرآن، محیط خانواده، بنیادی‌ترین و اثرگذارترین بستر شکل‌گیری شخصیت انسان است و والدین در این مسیر نقشی تعیین‌کننده دارند. به همین دلیل، توصیه‌های قرآن به زن و مرد، تمام مراحل زندگی آنان را دربرمی‌گیرد؛ از دوران پیش از ازدواج و اهمیت انتخاب همسری شایسته و پرهیزگار - زیرا والدین هم انتقال‌دهنده ویژگی‌های ظاهری و هم باطنی به فرزندان‌اند - تا دوران پس از ازدواج، که نیازمند تهذیب نفس، خودسازی و توجه به نقش الگویی والدین است.

بر این اساس، می‌توان گفت قرآن در مسیر دستیابی به تربیتی صحیح، داشتن خانواده‌ای سالم و در نتیجه جامعه‌ای اسلامی و پاینده به ارزش‌های راستین، بیش و پیش از هر چیز بر «خودسازی والدین» تأکید می‌کند؛ چراکه تنها خانواده‌ای می‌تواند در ترویج فضایل اخلاقی و ارزش‌های الهی تأثیرگذار باشد که خود باورمند و پای‌بند به همان ارزش‌ها باشد.

پس از آن، قرآن کریم والدین را به ایجاد محیطی سالم و پاک برای پرورش فرزندان صالح سفارش می‌کند. از این‌رو، پس از تولد فرزند، مسئولیت والدین سنگین‌تر می‌شود؛ زیرا آنان مرجع و الگویی عملی برای فرزندان خود هستند. در همین مرحله است که توصیه‌های

قرآنی شکل جدی‌تر و کاربردی‌تری به خود می‌گیرد. بدین معنا که والدین باید هم در عمل به ارزش‌ها پای‌بند باشند و هم فرزندان خود را به حفظ و احیای این ارزش‌ها ترغیب، تشویق و در صورت لزوم امر کنند. این مسئولیت نیز تنها به زمان حیات محدود نمی‌شود، بلکه حتی پس از مرگ والدین نیز در قالب وصیت‌ها و سفارش‌های مؤکد ادامه می‌یابد.

## فهرست منابع

\* - قرآن کریم.

\* نهج البلاغه (۱۳۸۳)، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.

\* صحیفه سجادیه (۱۳۸۶)، ترجمه محمد مهدی رضایی، چ دوم، قم، جمال.

۱- اتکینسون، هلیگارد (۱۳۷۰)، **زمینه روانشناسی**، ترجمه گروهی، تهران: انتشارات رشد.

۲- احمدی، سیداحمد (۱۳۸۰)، **اصول و روش‌های تربیت در اسلام**، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

۳- احمدی، علی‌اصغر و محمد نقی فراهانی (۱۳۸۰)، **روان‌شناسی عمومی**، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

۴- اسدی نوقابی، احمدعلی (۱۳۸۴)، **روان-پرستاری** (بهداشت روان ۲)، تهران: بشری.

۵- بادن، پیر (۱۳۷۴)، **روان‌شناسی شخصیت**، محمود ایروانی، تهران: آفرینش.

۶- بشارتی، هانیه (۱۳۸۷)، **تعاریف شخصیت**، پژوهشکده باقرالعلوم.

۷- بناب، مهدی محی‌الدین (۱۳۷۴)، **روان‌شناسی انگیزش و هیجان**، تهران: دانا.

۸- بیگی، روح‌الله (۱۳۸۹)، **ارزش‌های اجتماعی در قرآن**، قم: اسوه.

۹- پاول هنری ماسن و همکاران (۱۳۸۶). **رشد و شخصیت کودک**، مهشید پاسایی،

تهران: نشر مرکز.

۱۰- پلاچیک، روبرت (۱۳۷۱)، **هیجان‌ها**، محمود رمضان زاده، مشهد: چاپ و انتشارات

آستان قدس رضوی.

۱۱- جان پروین و ای. لارن (۱۳۸۱)، **شخصیت (نظریه‌ها و پژوهش)**، محمدجعفر

جوادی و پروین کدیور، تهران: آئیژ.

۱۲- جونز، ارنست (۱۳۴۰)، **اصول روان‌کاوی**، هاشم رضوی، تهران: کاوه.

۱۳- حر عاملی، سید حسن (۱۴۱۴ق)، **وسائل الشیعه**، قم: انتشارات آل البيت.

۱۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۵)، **مفردات الفاظ القرآن**، تهران:

مرتضوی.

۱۵- شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۱)، **انگیزش و هیجان**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۶- شولتزف دوان (۱۳۸۴)، **نظریه‌های شخصیت**، یوسف کریمی و دیگران، تهران:

ارسباران.

۱۷- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، سید محمدباقر

موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین.

۱۸- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۷)، **تفسیر مجمع البیان**، ترجمه محمد

بیستونی، ج ۱۴، ص ۱۹۷.

- ۱۹ عروسی حویزی، عبدالعلی (۱۳۸۳)، **نورالثقلین**، چاپخانه حکمت.

۲۰- فضایی، یوسف (۱۳۸۱)، **تعریف شخصیت و عوامل سازنده آن**، چیستا، ۱۸۰-

۱۸۱

۲۱- فیلدینگ آگبرن، ویلیام (۱۳۵۴)، **زمینه جامعه‌شناسی**، احمد حسین آریان پور،

تهران: دهخدا.

۲۲- کریمی، یوسف (۱۳۷۰)، **روانشناسی شخصیت**، تهران: دانشگاه پیام -نور.

۲۳- کینگ، ساموئل (۱۳۴۶)، **جامعه‌شناسی**، مشفق همدانی، تهران: امیر کبیر.

۲۴- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)، **بحارالانوار**، بیروت: موسسه الوفا.

۲۵- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷)، **تفسیر نمونه**، قم، دارالکتاب اسلامی.

۲۶- نوری، مهدی (۱۳۸۶)، **رشد و تکامل شخصیت**، کرج، دانشگاه آزاد

اسلامی.

۲۷- همت بناری، علی (۱۳۸۶)، **شخصیت و مهم‌ترین عوامل غیر**

**وراثتی شکل‌گیری آن**، قم: معرفت.

۲۸- وولف، دیوید (۱۳۸۶)، **روانشناسی دین**، محمد دهقان، تهران: رشد.